

بررسی تطبیقی آیین عیاری در ایران و شوالیه‌گری در غرب

محمدرضا ساکی*

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۲

رضا کماسی**

تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۵

چکیده

زور و ستم، تبعیض، قتل و غارت، بردگی و اسارت واقعیت تلخی بود که با بشر زاده شد و با وی رشد کرد و بالید. همین عامل سبب شد تا گروه‌هایی از مردم از جان گذشته در مقابل ستمگران و زورگویان قد علم کنند و در روزگاری که هنوز انسان قوانین بازدارنده وضع نکرده بود، از ضعیفان حمایت کنند و در جهت برقراری عدالت بکوشند. از این گروه‌ها در نقاط مختلف دنیا می‌توان نشان یافت. عیاران در ایران، صعالیک در کشورهای عرب، شوالیه‌ها در غرب و سامورایی‌ها در ژاپن از جمله این گروه‌ها به شمار می‌آیند. در این جستار تلاش می‌کنیم به شیوه تطبیقی به بررسی آیین عیاری در ایران و آیین شهبوساری و شوالیه‌گری در غرب بپردازیم و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن دو را بیان کنیم. هم‌چنین تأثیر این آیین‌ها را در ادبیات ایران و غرب نشان دهیم.

کلیدواژگان: آیین عیاری، آیین شوالیه‌گری، شهبوساران، ادبیات غرب.

مقدمه

بشر از روزی که قدم بر خاک نهاد و زندگی اجتماعی خود را آغاز کرد، با واقعیت تلخی به نام زور و ستم، تبعیض، قتل و غارت و بردگی و اسارت رو به‌رو شد. واقعیتی که از سپیده دم تاریخ اجتماعی آدمیان، چشم در چشم آنان پیوسته تکرار شده است و آن ظلم و ستم گروهی اندک از زورمندان ستمگر بر اکثریت مردم است.

سرنوشت محتوم بشر با قتل *هابیل*، نماد همه مظلومان، به دست *قابیل*، نماد همه ستمگران رقم زده شد. از آن زمان سپیدی و سیاهی، عدل و ظلم، خوبی و بدی و نور و ظلمت در مقابل هم قرار گرفتند و مبارزه‌ای بی‌امان آغاز شد.

تأثیر این زورگویی‌ها و بی‌عدالتی‌ها در روزگاری که هنوز انسان دوره کودکی خود را می‌گذراند و از قوانین بازدارنده خبری نبود پدید آمدن گروه‌هایی از مردم بود که نمی‌توانستند در برابر حق‌کشی‌ها و زورگویی‌ها سکوت کنند و به هر شکلی که توانستند به مقابله با زورگویان پرداختند.

این گروه‌های مبارز تقریباً در تمامی دنیای آن روزگار هر یک به شیوه خاص خود مبارزه‌ای بی‌امان را با حاکمان زورگو سامان دادند. هرچند در هر نقطه‌ای نام و نشان متفاوت با نقاط دیگر داشتند، لیک می‌توان گفت همه برای یک هدف مقدس یعنی برقراری عدالت، رفع تبعیض و دفاع از ستم‌دیدگان می‌جنگیدند. فریاد عدالت‌خواهی "عیاران" در ایران، "صعالیک" در سرزمین‌های عرب، "شوالیه‌ها" در غرب و "سامورایی‌ها" در شرق آسیا، همه از فطرت ظلم‌ستیز بشر حکایت می‌کند.

ریشه‌های تاریخی این جریانها چنان گسترده و ژرف است که نمی‌توان تاریخ دقیق آغاز و تشکیل گروه‌های اولیه آن‌ها را به درستی مشخص نمود، زیرا جوانمردی و نوع‌دوستی و دفاع از حق را نمی‌توان از تاریخ بشر جدا کرد، همان‌گونه که ظلم و ستم و ناجوانمردی را.

این‌ها از هر زمانی که پدید آمده باشند در اصل موضوع تغییری نمی‌دهد. آن‌ها در سرزمین‌های خود از طرف اکثریت مردم پذیرفته شده و محبوبیت عام داشته‌اند. با گذشت زمان این گروه‌ها دارای تشکیلات و سلسله مراتب ویژه‌ای شدند و برای پذیرش

اعضای جدید آداب و شرایط خاصی در نظر گرفتند و بدین‌سان در بیش‌تر نقاط سرزمین خود ریشه دواندند و بسیار قدرتمند شدند. تشکیلات، شکل مبارزه و نام بسیاری از این گروه‌ها در دوره‌ها و نقاط مختلف، تغییراتی داشته و با هم تفاوت داشته است.

بحث و بررسی

أ.عیاران ایران

پیشینه و خاستگاه

در لغت نامه‌ها و فرهنگ‌ها معانی مختلفی برای کلمه عیار ذکر کرده‌اند: «عیار: بسیار آمد و شد کننده و گریزنده و مرد تیزخاطر، تردست و زیرک و چالاک» (دهخدا، ۱۳۴۱: ذیل عیار). هم‌چنین «عیار: زیرک، چابک، تردست و حیل‌گر. دزد، سارق» (انوری، ۱۳۸۱: ۵۱۲۴) و «زرنگ، لوطی، جوانمرد و تندرو» (دانشگر، ۱۳۸۱: ۴۹۸). تصویری که امروزه با شنیدن نام عیار به ذهن می‌آید، بیش‌تر جوانمردی و بشردوستی و مبارزه با ستم و دستگیری از مظلومان است. تأثیر گروه‌های عیاران و جوانمردان و فتیان به اندازه‌ای بوده است که بسیاری از نویسندگان و محققان را به "فتوت نامه" نویسی واداشته است.

هر یک از آنان نیز کوشیده‌اند تا پیشینه و زمان ظهور آنان را مشخص کنند. برخی پیشینه فتوت و جوانمردی را به زمان خلقت آدم می‌رسانند: «آغاز فتوت توأم با آغاز انسانیت، بلکه از آن هم فراتر است. خدای تعالی پیش از خلق آدم (ع) و حوا، فردوس اعلی و نعمت‌های گوناگون برای اولاد آنان آفرید و این نمونه‌ای از جود و کرم و بزرگواری خداوندی است که بدون هیچ درخواست و استحقاق سائلان، این‌گونه وسائل رفاه و آسایش آنان را مهیا ساخته است» (ریاض، ۱۳۸۲: ۲۰). برخی نیز حضرت ابراهیم (ع) را پایه‌گذار فتوت و جوانمردی می‌دانند: «پس از دور نبوت، ولایت آغاز می‌شود و فتوت که جامع هر دوی این‌هاست، پایه‌گذارش حضرت ابراهیم (ع)، قطب آن امام علی (ع) و خاتم آن حضرت حجت (عج) است» (کرین، ۱۳۸۵: ۶).

علاوه بر این در برخی آیین‌های ایرانی شباهت‌هایی با آیین جوانمردی و فتوت دیده می‌شود که سبب شده بعضی از محققان آن را دارای ریشه‌های ایرانی بدانند: «جنگاوری و روحیه سلحشوری پارتیان سنتی را پدید آورد که از آن پس هرگونه مردی و مردانگی و جنگیدن تمام عیار به نام ایشان یعنی پهلوانی (=پارتی) خوانده شد. این سنت‌ها تنها جنبه نظامی و سپاهی‌گری نداشت، بلکه با نوعی اخلاق و فرهنگ ویژه خود همراه بود که می‌توان آن را عیاری و جوانمردی نامید» (مؤذن جامی، ۱۳۷۹: ۲۰۶).

هم‌چنین اخلاق اوستایی به اخلاق عیاران و جوانمردان نزدیک است: «اخلاق اوستایی بر ضد ناپاکی است. هرودت و دیودور و گزنفون درست‌قولی ایرانی‌های قدیم را ستوده‌اند. دیودور می‌گوید: در میان پارسی‌ها دست دادن دو نفر متعاقد به همدیگر مطمئن‌ترین وثیقه‌ای است که طرفین می‌توانند از یکدیگر تقاضا نمایند» (پیرنیا، ۱۳۷۸، ج ۴: ۲۱۴).

در آیین زردشتی پیش از هر چیز راستگویی، درستکاری و دادگری همراه دلیری سفارش شده و آموزش داده می‌شود. «در مذهب زردشت فضایل عمده عبارت است از راستی و درستی و دادگری و خویش‌داری و دلیری و سپاسدانی و این صفات باید از کودکی به اطفال تلقین شود و در نهاد آنان مخمر گردد» (صدیق، ۱۳۵۴: ۵۶).

برای نسبت دادن آیین جوانمردی و عیاری به ایران باستان و آیین مهر و زردشتی، نمونه‌ها و شواهد بسیار می‌توان آورد که برای پرهیز از درازسخنی تنها به دو نمونه اشاره می‌کنیم: «در دوره پیش از اشکانیان در ایران، پرستش مهر گسترش عظیم یافت و در دوره اشکانیان نه تنها به درون همه طبقات راه یافت، بلکه باعث پدیدآمدن الگوهای رفتاری و آیین‌های جدید شد که از جمله آیین جوانمردی و الگوی پهلوانی مه‌ری است» (بهار، ۱۳۶۲: ۶۸).

پروفسور تیشنر *Tishner* نیز به خلاف کسانی که خاستگاه عیاری و فتوت را سرزمین‌های عرب می‌دانند، منشأ پدیدآمدن آن را ایران دانسته است: «پیدایش این طرز فکر و گروه خاص در ممالک عرب نبود، بلکه منشأ وجودی آن ایران بود و آن دسته‌هایی از مردان بودند که خود را فتیان می‌نامیدند و هدف‌شان کسب درجات معنوی بود» (۱۳۳۵: ۷۶).

به هر روی مسأله جوانمردی، به ویژه جنبه‌های اخلاقی آن و مخالفت با ستم و کمک به تهی‌دستان و ضعیفان را می‌توان مربوط به فطرت انسان دانست و به روشنی و قطعیت نمی‌توان خاستگاه مشخصی را برای آن در نظر گرفت. در این خصوص از میان نظریاتی که تا کنون بیان شده، دیدگاه شفیع‌ی کدکنی به حقیقت و واقعیت نزدیک‌تر است: «آنچه در تاریخ اجتماعی ایران به عنوان آیین جوانمردی و گاه فتوت خوانده می‌شود، شیوه‌ای از حیات روحی است که ریشه‌های تاریخی و جغرافیایی آن را هیچ کس تا کنون به کمال نتوانسته است مورد پژوهش علمی قرار دهد و هر لایه‌ای که از روی این مفهوم برداشته شود، پوسته و لایه‌ای دیگر آن را احاطه کرده است» (شفیع‌ی کدکنی، ۱۳۸۶: ۱۵۸).

با توجه به مباحث فوق می‌توان گفت آیین جوانمردی و عیاری از لحاظ نظری آمیخته‌ای است از افکار مزدکی و زردشتی با آموزه‌های اسلامی که در طی زمان به کمال رسیده و دارای تشکیلات نظامی و آداب خاص خود شده است.

برخی از پژوهشگران زمان پیدایش و ظهور عیاران و فتیان را قرن چهارم هجری می‌دانند: «پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد که ظهور فتیان در آغاز سده چهارم ه.ق/ دهم میلادی بوده است و فتیان در آن وقت به "عیاران"، "سرگردانان" یا "یاغیان" شهرت داشته‌اند» (کرین، ۱۳۸۵: ۵). در حالیکه می‌دانیم دسته‌های عیاران بسیار پیش‌تر از قرن چهارم هجری در گوشه و کنار ایران پراکنده بودند. مهم‌ترین گروه‌های آنان نیز در بغداد، نیشابور و سیستان زندگی می‌کردند. دست کم می‌دانیم که پیش از قیام یعقوب لیث صفاری، در سال ۱۷۹ ه.ق، حمزه پسر آذرک در سیستان قیام و مدت ۳۴ سال پایداری کرد. از این روزگار به بعد است که دیگر خراج سیستان به مرکز خلافت فرستاده نمی‌شود و آن ناحیه تقریباً از اطاعت خلیفه خارج شد.

بنابراین به نظر می‌رسد نگرش هانری کرین به گونه‌ای است که عیاران را از زمانی که صاحب تشکیلات و مرامنامه مشخص شده‌اند، به رسمیت می‌شناسد و جنبش‌های رهایی‌طلب عیارانی چون یعقوب را تنها شورش‌هایی میهنی محسوب داشته است. نکته دیگر این که بسیار پیش‌تر از یعقوب و حمزه، گروه‌های عیاران در برخی شهرهای ایران قدرتمند بودند و در موازنه قدرت به سود یا زیان حاکمان تأثیر بسیار داشتند.

آداب، رسوم و سلسله مراتب

تشکیلات قدرتمند و بزرگی هم‌چون عیاران بدون آداب و رسوم و قوانین خاص خود، نمی‌تواند چندان دوام بیاورد. یکی از این آداب و رسوم شلوار مخصوصی بود که به عضو تازه پذیرفته شده می‌پوشاندند. علاوه بر این خوراندن آب و نمک به وی و بستن کمر او نیز از دیگر مراسم بود. پس از آن شخص تازه وارد می‌بایست سوگند یاد کند که به اصول عیاران و فتیان وفادار خواهد ماند. «آیین مخصوص ورود به این دسته‌ها عبارت بود از بستن یک پیش‌بند به کمر داوطلب و دادن لباس مخصوص به نام "لباس الفتوه" که قسمت عمده‌اش از یک سراویل یعنی شلوار تشکیل می‌شد. علاوه بر این مذکور است که فتیان در جلسات عمومی خود از جام فتوت موسوم به "کأس الفتوه" آبی را که دارای نمک بود می‌نوشیدند و این رسم اهمیت بسیار داشته است. سوگندی که فتی به فتوت یاد می‌کرد با تمام قوا از طرف وی رعایت می‌شد و برای همه معتبر بود» (همان: ۱۳۶ - ۱۳۷).

هر یک از این آداب و لباس‌ها فلسفه خاص خود را داشت و معنی و مفهوم مشخصی از آن برداشت می‌شد: «اما کلاه بدان جهت است که تاج کرامت است و اما سراویل از آن جهت که مقصود از خرقة ستر عورت است؛ و اصل ستر در عبادات از ناف است تا به زانو و ساتر این محل سراویل است، و از این جهت بود که خلیل را صلوات الله علیه مظهر این معنی بود. وحی آمد که «واستر عورتک من الأرض» یعنی بپوشان عورت خود را از زمین» (ریاض، ۱۳۸۲: ۷۱).

هانری کربن نیز به نقل از عبدالرزاق کاشانی فلسفه خاص عیاران و فتیان را بیان نموده است: «آب در قدح اشارت است به معرفت و خرد، نمک اشارتی است به صفت عدالت، پوشیدن شلوار اشارتی است به فضیلت عفاف، کمر بستن یا میان بستن اشارتی است به فضیلت شجاعت و غیرت، یعنی آنچه برای جوانمرد اساسی است» (کربن، ۱۳۸۵: ۲۲).

عیاران می‌باید سلسله مراتب درون سازمانی را رعایت نمایند. القاب و عناوین آنان نیز مقام و جایگاه هر یک را نشان می‌داد. این عناوین و القاب همانند سایر آیین‌های عیاران، باگذشت زمان، دستخوش دگرگونی‌ها و تغییراتی شده است. برخی از آن‌ها نیز بین

گروه‌های جوانمردی، فتوت و متصوفه مشترک است. نقیب، اخی، کبیر، صغیر، شیخ، زعیم، تربیه، صاحب، پیشوا، رهبر، آب، این و ... از جمله عناوین و القاب آنان است. «آنان همدیگر و خاصه استادان و پیران خود را اخی خطاب می‌کردند» (عبادی، ۱۳۶۲: ۷۸). "کبیر" کسی بود که اشخاص داوطلب، بدون واسطه یا گاه با واسطه وکیل او، آب و نمک دریافت می‌کردند. تربیه، به شاگرد اطلاق می‌شد و استاد را صاحب می‌نامیدند. کسانی که وارد حلقه اهل فتوت می‌شدند، به جز پیر می‌باید سه تن دیگر را خدمت کنند: یکی نقیب، دیگری پدر عهد و سومی استاد شد. برای ورود به دسته عیاران و فتیان، ویژگی‌ها و صفات خاصی لازم بود. داوطلب علاوه بر داشتن این ویژگی‌ها می‌باید در آزمون‌هایی نیز شرکت کرده و در صورت موفقیت وارد دسته عیاران و فتیان می‌شد. «مردانگی و بلوغ و عقل و دین اسلام و استقامت احوال و مروت و حیا» (ریاض، ۱۳۸۲: ۵۸) اصلی‌ترین شرط‌های ورود به این دسته‌ها بود. چنانکه می‌بینیم جایی برای ورود زنان و غیرمسلمانان میان عیاران و فتیان وجود نداشت. توجه به مکتوبات عیاری و فتوت نشان می‌دهد که هرچند مشترکات بسیاری بین این دو هست، باز هم نمی‌توان آن‌ها را یکی دانست، زیرا تفاوت‌هایی نیز دارند. آنان با وجود آیین‌ها و برخی اهداف مشترک، یک تفاوت اساسی داشتند که باعث تمایزشان می‌شد و آن این نکته بود که لازمه عیاری مسلح شدن و گاه به کوه و جنگل پناه بردن، غارت اموال ثروتمندان و تقسیم آن بین تهی‌دستان بود. گاه نیز با پشتیبانی از حاکم وقت یا مخالفان وی، توازن قدرت را بر هم می‌زدند و سبب به حکومت رسیدن گروهی می‌شدند. گاه نیز خود به حکومت می‌رسیدند. جوانمردان یا فتیان اما جریانی بودند که خود را صرفاً به دست‌گیری از نیازمندان، پاکدامنی و رعایت سایر فضایل اخلاقی و دفاع از مظلومان، ملزم می‌دانستند و به مسلح شدن و قیام مسلحانه یا غارت اموال ثروتمندان دست نمی‌زدند.

بازتاب آیین عیاری در ادب فارسی

تأثیر آیین عیاری و فتوت را در ادب فارسی بیش‌تر در نثر فارسی می‌توان دید. بسیاری از نویسندگان به تدوین فتوت نامه‌ها، رسالات و کتاب‌هایی در زمینه آداب،

رسوم، اخلاق و کردار عیاران و فتیان پرداختند. از آن جمله به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

«فتوت نامه سلطانی» اثر *کمال‌الدین علی کاشفی سبزواری* از عرفای بزرگ قرن نهم و دهم هجری. «رساله فتوتیه» از *سید علی همدانی* معروف به *علی ثانی* از عارفان قرن ششم. «فتوت نامه» *نجم‌الدین زرکوب تبریزی* (متوفی ۷۱۲ ه.ق) شاعر اهل تبریز. کتاب «الفتوه» *شهاب‌الدین سهروردی* (متوفی: ۶۳۲ ه.ق) عارف بزرگ و مشهور سده ششم و هفتم هجری. «فتوت نامه» منسوب به *عطار نیشابوری* که تنها اثر منظوم فارسی در این زمینه است و برخی آن را به *هاتفی* نسبت داده‌اند.

استاد سعد نفیسی با رد این نظر، آن را قطعاً از *عطار* دانسته است.

هم‌چنین فتوت نامه‌های دیگری نیز دیده می‌شود، از جمله فتوت نامه‌ها *عبدالرزاق کاشانی*، *شمس‌الدین آملی*، *درویش علی بن یوسف* و ... برشمردن تمامی فتوت‌نامه‌ها در این مقاله سخن را دراز خواهد کرد. برای آگاهی بیشتر در این زمینه می‌توان به کتاب «فتوت و اصناف» *تصحیح مهران افشاری* و *مهدی مدائنی* مراجعه نمود.

علاوه بر این قصه‌های بلند و رمان گونه‌ای به نثر نوشته شده است. از این میان به دو اثر معروف «سمک عیار» و «ابومسلم نامه» می‌توان اشاره کرد.

«سمک عیار» سرگذشت پرفراز و نشیب *خورشید شاه فرزند مرزبان شاه فرمانروای حلب* است. وی که دل‌باخته دختر *فغفور چین* شده، به دنبال یافتن معشوق سفری پرماجر و خطرناک را آغاز می‌کند و درگیر جنگی خطرناک می‌شود. در این جنگ عیارپیشه گمنامی او را یاری می‌کند و با زیرکی، هوشیاری و دلآوری موجب پیروزی *خورشید شاه* می‌شود. چون فرجام داستان نامشخص مانده، لذا پایان کار *سمک عیار* نیز معلوم نشده است.

«ابومسلم نامه» را می‌توان رمانی تاریخی دانست. داستانی مفصل به قلم *ابوطاهر طرسوسی*، نویسنده سده ششم هجری. در آن شرح تولد، رشد، نبردها و حماسه‌ها و سرانجام کشته شدن *ابومسلم خراسانی* است. داستان آمیخته‌ای از واقعیت‌های تاریخی با عناصر حماسی و فراواقعی است و نویسنده افسانه‌ای شیرین یا رمان تاریخی بسیار جالبی پدید آورده است. در این داستان، همانند داستان «سمک عیار»، ویژگی‌های

عیاری را در / ابو مسلم و یاران‌اش مشاهده می‌کنیم. هم‌چنین تأثیر آیین عیاری در آن کاملاً پیداست.

در شعر فارسی نیز واژه عیار، بازتاب گسترده‌ای داشته است. بسیاری از شاعران بزرگ، این واژه را با معانی متفاوت آن به کار برده‌اند، که چند نمونه را در این بخش می‌آوریم:

گر زانکه چو عیاران از عهده برون نایی دلداده آن چابک عیار نباید شد
(سنایی، ۱۳۸۹: ۴۱۷)

ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست منزل آن مه عاشق‌کش عیار کجاست
(حافظ، ۱۳۸۱: ۱۶)

شوالیه‌گری در غرب

پیشینه و خاستگاه

اغلب پژوهشگران پدیدآمدن فرهنگ جوانمردی و گروه‌های منشعب‌شده از آن را تحت تأثیر آیین عیاری و فتوت در ایران دانسته‌اند. اسپانیا و آلمان اولین کشورهای بودند که این فرهنگ را پذیرفتند. دلیل آن نیز شاید جنگ‌های صلیبی باشد که سبب تعامل و بده‌بستان‌های فرهنگی میان ملل مسلمان و غرب شد. «فتوت از راه ایران و کشورهای دیگر اسلامی (هم‌چون بخشی از روم که در تصرف مسلمین بود) وارد اسپانیا و سیسیل شده و این دو کشور به صورت مراکز جوانان و جوانمردان در آمده بود و از همین دو منطقه بود که این شیوه در سراسر اروپا شهرت و سپس شیوع و رواج یافت و یکی از ابعاد مهم تهذیب و تمدن اسلامی که وارد دین و تمدن مسیحی شد، همین جوانمردی است» (ریاض، ۱۳۸۲: ۱۰۰).

کشورهایی نظیر انگلستان و فرانسه هم به دلیل درگیری با مسایل جنگ‌های صلیبی، از تأثیر آیین عیاری برکنار نماندند. زمان تشکیل گروه‌های شوالیه‌ها و شهسواران را در غرب نیز قرن پنجم هجری دانسته‌اند. بر این اساس می‌توان این ادعا را پذیرفت که گروه‌های جوانمردی در غرب تحت تأثیر آیین عیاری و فتوت در ایران و برخی کشورهای اسلامی پدید آمده است. «داستان شهسواران حدوداً زمان هنری چهارم - یعنی بعد از

سال ۱۰۰۰ میلادی - آغاز شد و در آلمان و انگلستان و بیش از همه در فرانسه، قرن‌ها ادامه یافت» (گامبریچ، ۱۳۸۹: ۱۹۲).

بنابراین آنچه که در ایران به عیاران و در سرزمین‌های عربی به فتیان اشتهار یافت، در کشورهای غرب به شوالیه‌ها و شهسواران نام برآورد. شوالیه‌ها و شهسواران، همانند عیاران، راهزنانی مورد احترام عامه مردم بودند که از ثروتمندان و زمین‌داران بزرگ می‌گرفتند و به افراد نیازمند می‌دادند. آنان در مجارستان، بالکان و رومانی به «هاییدوک» معروف شدند. «هاییدوک‌ها عبارت از راهزنان مورد احترام و صاحب آوازه‌ای بودند که در سرزمین‌های بالکان، مجارستان و رومانی در مقابل صاحبان قدرت، بیشه‌زارها را به تصرف خود درمی‌آوردند و به سبب جرأت و شهامت‌شان و هم‌چنین به علت دستگیری از افراد نیازمند، مورد علاقه و ستایش روستاییان بودند» (شالیان، ۱۳۷۷: ۲۶).

آداب و رسوم و سلسله مراتب

جنبه نظامی و مبارزه‌طلبی شوالیه‌ها و شهسواران بیش از دیگر ویژگی‌های آنان بود. بنابراین مهم‌ترین شرط ورود نجیب‌زادگان به این گروه‌ها جنگاوری، دلیری و آشنایی با فنون جنگی بود. «شوالیه‌گری رسم و آیینی بود که جنگاوران زره‌پوش و سواره، یا شوالیه‌ها، چه در میدان نبرد و چه خارج از آن می‌بایست رفتار و سلوک خود را بر اساس آن تنظیم می‌کردند» (جیمز آ، ۱۳۸۶: ۹).

هم‌چنین آیین‌ها و آداب دیگری وجود داشت که قوانین ویژه خود را داشت و همه اعضا ملزم به رعایت آن بودند. چنانچه کسی این قوانین را رعایت نمی‌کرد، با بدترین شکل ممکن از جمع شوالیه‌ها اخراج می‌شد. پاسداشت سوگند نیز مهم‌ترین وظیفه یک شوالیه خوب بود. «اگر یک شوالیه سوگند خود را می‌شکست، مهمیز او قطع می‌شد. شمشیرش را روی سرش می‌شکستند و سلاح را از او می‌گرفتند و او را درون یک تابوت می‌گذاشتند و بعد مأمورین دفن به او خطاب می‌کردند که او مرده است» (مارچ تاین، ۱۳۷۰: ۱۳۰).

داشتن سلاح و اسب برای شوالیه لازم بود. اولین شرط ورود به جرگه شوالیه‌ها، نجیب‌زادگی بود. بنابراین روستازادگان، دهقانان و کسانی که اسب نداشتند، شوالیه به

حساب نمی‌آمدند. شوالیه‌گری از طریق ارث نیز به پسران آنان منتقل می‌شد. پسر یک شوالیه، پس از پدر، شوالیه می‌شد. «روستاییان و خدمه بی بضاعت، جوانک‌ها و کارگران مزارع که با پای پیاده به جنگ می‌رفتند، شهسوار نبودند. پسران سرف‌ها، سرف می‌شدند و پسران شهسواران، شهسوار» (گامبریج، ۱۳۸۹: ۱۹۲: ۱۴۲).

هرچند اشرافزادگی شرط اول و اساسی ورود به دسته شوالیه‌ها بود، اما رسیدن به مقام شوالیه نظامی، مستلزم طی مراحل سخت و طولانی بود. آموزش‌هایی که تحت شرایط خاص حدود هفت سال طول می‌کشید. در این مدت نوجوان داوطلب، به شوالیه‌ای سپرده می‌شد تا انواع آموزش و مراحل سخت را زیر نظر او طی نماید. پس از هفت سال و در صورتی که بیست و یک سال‌اش می‌شد، در زمره شوالیه‌ها قرار می‌گرفت و چنانچه کم‌تر از بیست و یک سال داشت، با یک پله صعود، از عنوان پیج (Page) به اسکویار (Squire) می‌رسید.

«شوالیه‌ها می‌بایست برای رسیدن به مقام شوالیه‌گری از تربیت ویژه‌ای برخوردار باشند. جوانانی که به اصطلاح از خانواده‌های نجیب بودند و قرار بود که شوالیه بشوند، مجبور بودند مدت هفت سال به عنوان پادو یا دستیار برای شوالیه یا بانوان قلعه کار کنند» (حکیمی، ۱۳۸۶: ۵). به نظر می‌رسد گماشتن نوجوان به عنوان پادو یا خدمتکار برای خودسازی و پرورش درونی آنان بوده است. به سخن دیگر نوعی رابطه مرید و مرادی بین وی و مخدوم‌اش برقرار می‌شد و هدف اصلی تربیت روحی نوجوان بوده است. هم‌چنین داوطلب سوگند یاد می‌کرد که دروغ نگوید، از ضعیفان حمایت و از کلیسا دفاع نماید و با کفار جهاد کند. «شهسوار متعهد می‌شد که همواره جز به راستی سخن نگوید، از حقوق کلیسا دفاع کند، به حمایت ضعیفا برخیزد، در منطقه خویش صلح برقرار کند و سر در عقب کفار گذارد» (دورانت، ۱۳۷۸: ۲۲۵۴).

داوطلب، در دوران آموزش، تمرینات سخت و طاقت فرسایی را از سر می‌گذراند. این تمرین‌ها، آموزش‌های رزمی، طرز استفاده از سلاح، تمرین‌های قدرتی، پرورش عضلات و در پاره‌ای از موارد آموزش‌های معنوی و دینی بود. علاوه بر این‌ها می‌باید بازی شطرنج، رقص، آواز خواندن، نواختن چنگ و فلوت و رفتار و برخورد با بانوان را بیاموزد. اگر

داوطلب آموزش‌ها را به خوبی فرامی‌گرفت یا هنجارهای تعیین‌شده را رعایت نمی‌کرد اخراج می‌شد.

پس از موفقیت در آزمون‌ها و تأیید استادان و شوالیه‌های پیشکسوت، شوالیه جوان طی مراسمی خاص، از سوی قدیمی‌ترها عنوان شوالیه را دریافت و سوگند یاد می‌کرد که به ارزش‌های جوانمردی و شوالیه‌گری پای‌بند می‌ماند. «زمانی که مرد جوان شوالیه می‌شد، جشن بزرگی بر پا و اعمال و مراسمی انجام می‌گردید. به حمام می‌رفت و سپس خرقة سفیدی بر تن می‌کرد که مشخص‌کننده خلوص و صفای او بود. بعداً لباس قرمزی روی آن می‌پوشید و دلیل بر آن بود که از ریختن خون برای احراز حق دریغ ندارد. یک شب را در تمام اوقات، مسلح به دعا و تفکر و اندیشه سپری می‌کرد. روز بعد شمشیر خود را در اختیار کشیش قرار می‌داد. او شمشیر را در محراب مقدس، تبرک می‌کرد و به او برمی‌گرداند. شوالیه موقرانه و متین شرط می‌کرد و قول می‌داد که از کلیسا دفاع کند. نسبت به پادشاه صادق باشد و به هر بانویی که در ناراحتی باشد کمک کند و از او حمایت نماید» (مارچ تاین، ۱۳۷۰: ۱۲۹).

سختی‌های شوالیه‌گری پس از دریافت عنوان به پایان نمی‌رسید، بلکه این آغازی بود برای سختی‌های تازه‌ای که بیش‌تر، تمرین‌ها و مسابقه‌های جنگی بود. آنان برای نشان دادن مهارت و قدرت و آمادگی جسمی خود، با برپایی مراسمی خاص گرد هم می‌آمدند و به زورآزمایی با شمشیر و سلاح بر روی اسب در یک نبرد نمایشی می‌پرداختند. گاه این مبارزه‌ها بین شوالیه‌های چند کشور مختلف انجام می‌شد. هرچند مبارزه جنبه نمایشی داشت و با سلاح غیر کشنده انجام می‌گرفت ولی گاهی طرفین به شدت زخمی می‌شدند.

توجه بیش از حد به زنان در میان شوالیه‌ها به قدری بود که می‌توان آن را جزو ویژگی‌های آنان به حساب آورد، زیرا یکی از عمده‌ترین انگیزه‌های مبارزه یک شوالیه، جلب نظر بانوی مورد علاقه وی بود. «هنگامی که شهسواری به بانویی دل‌می‌بست، به افتخار او در نبردی شرکت می‌جست و به استقبال ماجراهایی می‌رفت که با کسب نام و شهرت، دل از محبوب دل‌بندش بریابد. نام او را با عزت و احترام به زبان می‌آورد و هر آنچه می‌خواست، از برآوردن‌اش دریغ نمی‌کرد» (گامبریج، ۱۳۸۹: ۱۹۶).

اهمیت زنان برای شوالیه‌ها آنقدر بود که در میدان مسابقه حضور بانوان مورد علاقه آنان الزامی بود. هم‌چنین داوری و اعطای جوایز بر عهده بانوان بود.

تأثیر و بازتاب آیین شوالیه‌گری در ادبیات غرب

نویسندگان کشورهای مختلف غرب، تحت تأثیر آیین شوالیه‌گری به سرودن شعر، نوشتن رمان و کتاب‌های تاریخی و گاه انتقادی درباره این گروه پرداختند. برخی از این آثار نیز شهرت جهانی یافت. از آن جمله می‌توان به اثر معروف *الکساندر دوما* (*Alexander Dumas*) به نام «رابین هود» (*Robin Hood*) اشاره نمود. شهرت رابین هود سبب شد تا فیلم‌های سینمایی و انیمیشن‌های بسیاری از آن ساخته شود. هم‌چنین روایت‌های گوناگونی از آن وجود دارد. برخی نیز آن را داستانی خیالی انگاشته‌اند. اما حقیقت آن است که رابین هود وجود خارجی داشته است، قدر مسلم این است که شاخ و برگ‌ها و حواشی زیادی به آن افزوده‌اند.

اثر دیگر در این زمینه، رمان معروف «دن کیشوت» (*Dela Mancha. Don Quijote*) نوشته «سروانتس» (*Cervantes. Miguelde*) است. این کتاب هرچند جنبه طنزآمیزی دارد و خیالی است، لیکن تحت تأثیر آیین شوالیه‌گری پدید آمده است. برخی از نویسندگان نیز در آثار خود قهرمانانی شبیه شوالیه‌ها خلق کرده‌اند. معروف‌ترین این آثار «زورو» (*Zorro*) اثر *ایزابل آلنده* (*Allende. Isable*) است. شخصیت اصلی آن هم‌چون شوالیه‌ها تلاش می‌کند تا ضمن اصلاح جامعه، از ضعیفان و تهی‌دستانی که تحت ستم قرار می‌گیرند حمایت کند. «زورو» در زبان اسپانیایی به معنی روباه است. وی با پوشیدن لباس سیاه، با زدن نقاب و سوار بر اسب، بر ستمکاران می‌تازد و حق مردم تهی‌دست و ستم‌دیده را از آنان باز می‌ستاند. او روی لباس یا بدن قربانیان‌اش، با شمشیر، زخمی به شکل «Z» ایجاد می‌کرد تا عبرت سایر زورگویان و ستمگران باشد. این اثر به صورت کتاب بارها تجدید چاپ شده و از روی آن نیز فیلم‌های سینمایی و انیمیشن ساخته شده است.

آثار دیگری نیز درباره شوالیه‌ها و گروه‌های مشابه عیاران در غرب پدید آمده که عمدتاً جزو منابع تاریخی است و تا کنون به فارسی ترجمه نشده است. هم‌چنین

داستان‌ها و رمان‌های مهم دیگری نوشته شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: «شوالیه دارمانتال» (Darmantal)، «شوالیه خسیس»، «شوالیه ناموجود» و «عشق روستایی» از آن جمله‌اند. علاوه بر این‌ها «بهترین تصویر از جنگجو/ شوالیه آیین شهبواری در رمانس‌های عامه پسند (داستان‌های منظوم) آرتور شاه (King Arthur) و دلاوران میزگرد یا شارلمانی (Charlemagne) و نبردهایش با ترک‌ها ارائه شده است. در این داستان‌ها قدرت و توان و شجاعت قهرمان در جنگ، با طنینی اسطوره‌ای توصیف شده است. اسب و شمشیر قهرمان اغلب با نوعی شور و وجد توصیف می‌شود که بعدها در اشعار عاشقانه تجلی کرد (لوی بیئل، ۱۳۸۵: ۲۶).

بنابراین بازتاب آیین شهبواری و شوالیه‌گری در ادبیات مغرب زمین را به روشنی می‌توان دید. آثاری که تحت تأثیر شوالیه‌گری در غرب پدید آمده است، هنوز هم می‌تواند برای بسیاری از مخاطبان امروزی جذابیت و پیام داشته باشد.

تطبیق آیین عیاری و شوالیه‌گری

شباهت‌ها

نخستین وجه تشابه عیاران و شوالیه‌ها، حرکت‌های مسلحانه آنان است. بدون سلاح و مبارزات نظامی نمی‌توان برای عیاران و شوالیه‌ها حیاتی متصور شد و هرچند هر دو گروه منش‌های جوانمردانه را وجهه همت خود قرارداداده بودند، لیکن شاکله اصلی دو گروه مبارزات است.

هم عیاران و هم شوالیه‌ها به نوعی چهره ملی و مذهبی داشتند. گروهی از شوالیه‌های غرب، معروف به شوالیه‌های معبد، فعالیت عمده‌شان در کلیسا متمرکز بود. آنچه هم که باعث بوجود آمدن ارتباط عمیق و پیوند مستحکم بین گروه‌های عیاری و اهل تصوف در ایران شد، عامل مذهب بود. هم‌چنین فتیان ایران بیش‌تر رنگ مذهبی داشتند. هر دو گروه دارای مرام‌نامه، اصول، قواعد مشخص و سوگندنامه بودند و ورود به گروه‌های عیاری و شوالیه‌ها، ضوابط و شرایط خاص خود را داشت. هم‌چنین هر دو دارای پرچم و نشان ویژه‌ای بودند که آنان را از دیگر گروه‌های فعال اجتماعی مشخص و ممتاز می‌کرد.

محبوبیت و مقبولیت عمومی عیاران و شوالیه‌ها و نفوذ در میان صاحبان مشاغل از دیگر وجوه شباهت‌های آن‌هاست. سلسله مراتب و جایگاه سازمانی نیز در هر دو گروه دیده می‌شود.

تفاوت‌ها

عمده‌ترین تفاوت این دو گروه، سمت و سوی فعالیت آنان است. عیاران عمدتاً در برابر حکومت‌های ستمگر و دستگاه حاکم قیام می‌کردند. در حالیکه شوالیه‌ها خدمت به پادشاه و خانواده آنان را وظیفه اصلی خود می‌دانستند و در سوگندنامه خود نیز از آن یاد می‌کردند.

تفاوت دیگر در نحوه جذب داوطلبان است. عیاران لزوماً از قشر خاصی نبودند و فقیر و غنی، از هر تبار و خانواده‌ای، می‌توانست داوطلب ورود به گروه عیاران شود، اما داوطلب شوالیه‌گری الزاماً می‌بایست از اشراف‌زادگان و نجبا باشد. نوع آموزش عیاران و شوالیه‌ها نیز تفاوت‌هایی داشت. عیاران معمولاً فنونی مانند طراری، شاطری یا دوندگی، زیرکی، شمشیربازی و مسایل دینی و مذهبی را می‌بایست بیاموزند، اما یک شوالیه علاوه بر آموزش‌های نظامی و رزمی، باید رفتار با بانوان، شطرنج بازی، موسیقی و آواز نیز بیاموزد.

برای رسیدن به عنوان عیاری، سن و سال خاصی لازم نبود و این عنوان از طریق ارث به فرزند عیار نمی‌رسید، در حالیکه برای شوالیه‌شدن داشتن بیست و یک سال سن لازم بود. هم‌چنین عنوان شوالیه به پسر وی به ارث می‌رسید.

تفاوت دیگر شوالیه‌ها و عیاران، در نگاه آنان به زن دیده می‌شود. شوالیه‌ها توجه خاصی به زنان و چگونگی رفتار با آنان داشتند و بی‌توجهی به زنان نقص بزرگی برای‌شان به شمار می‌رفت. بر خلاف آنان، عیاران تلاش می‌کردند تا جایی که می‌توانند، به زنان توجهی نشان ندهند. حتی برخی از آنان تأهل اختیار نمی‌کردند تا تعهد به خانواده، مانع انجام وظیفه عیاری آنان نشود. عیاران از راه طراری و گاه تجارت امرار معاش می‌کردند، اما شوالیه‌ها که در خدمت دربارها بودند، از همان راه روزگار می‌گذراندند و به نوعی از دربار حقوق می‌گرفتند.

سخن آخر این که عیاران برای کمک به مردم از هیچ کاری عار نداشتند، در حالیکه شوالیه‌ها پرداختن به کشاورزی و نظافت اماکن را جزو شغل‌های پست می‌شمردند و از انجام چنان کارهایی ننگ داشتند.

نتیجه بحث

آیین عیاری در ایران، ریشه در آیین‌ها و جنبش‌های پیش از اسلام دارد. برخی آموزه‌های زردشتی، مانوی و مزدکی شباهت بسیار با آموزه‌ها و روش‌های آیین عیاری و جوانمردی دارد. البته توجه به این نکته ضروری است که این آموزه‌ها پس از اسلام و با آمیختن با آموزه‌های اسلامی، رنگ اسلامی به خود گرفت. این آیین در گذر زمان دچار تحولات و دگرگونی‌هایی شد و گروه‌های مشابه با عیاران، با نام‌های مختلف در ایران و سایر سرزمین‌های اسلامی پدید آمد.

بنابراین خاستگاه آیین عیاری و جوانمردی ایران است. از ایران به کشورهای اسلامی و از آنجا به اسپانیا و دیگر کشورهای اروپایی رفته و رواج یافته و با پذیرش دگرگونی‌هایی، به شکل‌های دیگری به حیات خود ادامه داده است. این آیین‌ها در جوامع خود-هم در ایران و هم در غرب- از حمایت مردمی برخوردار شده‌اند.

تأثیر آیین عیاری و شوالیه‌گری در ادبیات و زندگی مردم سرزمین‌های خود به خوبی دیده می‌شود. این تأثیر به قدری بوده که تا سده‌های اخیر نیز قابل مشاهده است. در ایران، قداره‌کشان و داش‌مشدی‌ها، بازماندگان استحاله شده عیاران و جوانمردان بودند که تا کم‌تر از یکصد سال پیش در محلات شهرهای بزرگ، به ویژه در تهران وجود داشتند. در غرب نیز می‌توان «جنتلمن‌ها» را بازمانده شوالیه‌ها و شهبسواران دانست.

هنوز هم در پادشاهی بریتانیای کبیر به هنرمندان و فعالان عرصه‌های مختلف، که موفقیت‌های بزرگی کسب می‌کنند، نشانی با عنوان «نشان شوالیه» اعطا می‌کند.

کتابنامه

- انوری، حسن. ۱۳۸۰، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، تهران: سخن.
- بهار، مهرداد. ۱۳۶۲، جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران: چشمه.
- پیرنیا، مشیرالدوله. ۱۳۸۷، ایران باستان، ج ۴. تهران: دبیر.
- جیمزآ، کوریک. ۱۳۸۶، امپراطوری بیزانس، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس.
- حافظ، شمس‌الدین محمد. ۱۳۸۱، دیوان اشعار، تصحیح قاسم غنی، تهران: جاجرمی.
- دانشگر، احمد. ۱۳۸۱، فرهنگ نوین فارسی، تهران: حافظ نوین.
- دورانت، ویل. ۱۳۸۷، تاریخ تمدن، ترجمه احمد بطحائی، تهران: علمی و فرهنگی.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۴۱، لغتنامه دهخدا، ج ۳۰، تهران: دانشگاه.
- ریاض، محمد. ۱۳۸۲، فتوت‌نامه. به اهتمام عبدالکریم جریزه دار، تهران: اساطیر.
- سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم. ۱۳۸۹، دیوان اشعار سنایی، تصحیح و توضیح مظاهر مصفا، تهران: زوار.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. ۱۳۸۶، قلندریه در تاریخ، تهران: سخن.
- کربن، هانری. ۱۳۸۵، آیین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی، تهران: سخن.
- گامبریج، ارنست. ۱۳۸۹، تاریخ جهان، ترجمه علی رامین، تهران: نی.
- لویی بیئل، تیمونی. ۱۳۸۵، جنگ‌های صلیبی، ترجمه سهیل سمی، تهران: ققنوس.
- مارچ تاین، اوا. ۱۳۷۰، قهرمانان قرون وسطی، ترجمه احمد صفوی، تهران: حافظ.
- مؤذن جامی، محمدمهدی. ۱۳۷۹، ادب پهلوانی، تهران: قطره.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

خودی از نگاه دیگری در سفرنامه نیکولا بوویه

فاطمه خان محمدی*

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۵

الناز عالی**

تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۳

چکیده

سفرنامه آیین‌های است که می‌توان انعکاس تصویر زندگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، آداب و رسوم و باورها و اعتقادات، رفتار و کردار و فراز و نشیب‌های زندگی جوامع مختلف را در آن دید، تصویری گویا و روشن و تا حدود زیادی خالی از غرض‌ورزی و ملاحظه. از جمله این سفرنامه‌ها، سفرنامه «راه و رسم جهان» اثر نیکولا بوویه است. این جهانگرد سوئسی ضمن سفر به سرزمین‌های مختلف، گزارشی جذاب، صادقانه و دقیق از چگونگی معیشت مردم، وضع شهرها، صنایع و تولیدات، مدارس، آداب و رسوم مذهبی مردم، عملکرد طبقات حاکم و ... به دست می‌دهد که از دیدگاه ادبیات تطبیقی بسیار ارزشمند و حایز اهمیت است؛ در این مقاله بر آنیم که با تکیه بر سفرنامه «راه و رسم جهان» اثر بوویه به مطالعه و بررسی مظاهر و فرهنگ ایران زمین از منظر ادبیات تطبیقی بپردازیم.

کلیدواژگان: ادبیات تطبیقی، سفرنامه، نیکولا بوویه، راه و رسم جهان، ادبیات فولکلور، تصویر ادبی.

* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه زبان فرانسه، تهران- ایران.

Fateme_han@yahoo.fr

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران- ایران.

eln_aali@yahoo.com

نویسنده مسئول: الناز عالی

مقدمه

سفرنامه‌ها اغلب منابع باارزشی محسوب می‌شوند که در روشن‌نمودن جنبه‌های مختلف تاریخ اجتماعی به ویژه آنجا که از دید مورخین پنهان مانده است به کار می‌آیند. به کمک همین سفرنامه‌ها است که بازسازی فضای فرهنگی و اجتماعی و ... گذشته، امکان‌پذیر می‌گردد و بر همین اساس می‌توان گفت سفرنامه‌ها از نظر تاریخ‌نگاری دربردارنده مطالبی هستند که در تاریخ‌نگاری فرهنگی فوق‌العاده حائز اهمیت هستند.

به سفرنامه‌ها به عنوان یکی از منابع شناخت ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی جوامع توجه شده، ولی این توجه همواره با محدودیت‌هایی در فهم، شناخت و تفسیر نیز قرین بوده است. سفرنامه در واقع، نوعی روایت است، روایتی که قالب زمان، مکان، موقعیت و رخدادها، تنگنمایی را برای آن به وجود می‌آورد. در تاریخ غرب، یکی از رسانه‌های مهم در شناخت شرق و ایران سفرنامه‌ها بوده است، که بنیان‌های اولیه تصاویر دیگران را در سنت غربی فراهم می‌کرده‌اند.

در طول تاریخ، سیمای ایران در ذهن و اندیشه غرب، پیوسته جلوه‌ای متضاد و دوگانه داشته است. سیمای حقیقی ایران و ایرانی به عنوان یکی از ارکان بنیادین تمدن جهانی، تحت تأثیر سفرنامه‌های سیاحان دربار ایران و به خصوص برداشت‌های عالمانه و حکیمانه فیلسوفان غربی از داده‌های این سفرنامه‌ها، برای همیشه در ادبیات غرب نقش بسته است.

سفرنامه‌ها توصیف دیده‌ها و شنیده‌ها با ترکیبی از برداشت‌های فکری و شخصی جهانگردان، از یک سرزمین و مردم آن، زندگی روزانه آنان، آداب و رسوم، خلق و خو، خوراک، پوشاک، صنعت و فرهنگ آن مردم است.

در این نوشتار به خلاصه‌ای از زندگی نیکولا بوویه، دلایل سفر او به شرق و ایران و سپس به بررسی نکات جالب و جذاب سفرنامه او از منظر ادبیات تطبیقی خواهیم پرداخت. اما پیش از آن، ابتدا تعریفی اجمالی از ادبیات تطبیقی ارائه داده و سپس رابطه و پیوند آن را با ادبیات سفرنامه‌ای ذکر خواهیم کرد.